

محیط زیست نقش بزرگی در زندگی انسان

سلامت محیط زیست برهوش و استعداد و لیاقت های فردی اثری می گذارد و میانه روی در اخلاق و رفتار ، از میانه روی در محیط زیست اثر می پذیرد. ساکنان مناطق معتدل کره زمین ، دارای ویژگی ها و روحیه های خاصی هستند که در مقایسه با جوامع ساکن در مناطق گرمسیر و سردسیر ، تفاوت بسیاری دارند. تاثیر محیط زیست بر انسان از دیدگاه دانشمندان این سینا بلخی ، منتسکیو و ابن خلدون و ارسطو: تاثیر محیط زیست در زندگی انسان را کسی نمی تواند نادیده انگارد. این موضوع از چنان اهمیتی برخوردار است که دانش جدید به عنوان « اکولوژی» در کنار سایر دانش ها پدیدار گشته است. این دانش عبارت است از: « مطالعه روابط مین موجودات و محیط زیست آنها» بنابر این ، « اکولوژی انسانی» تحقیقی در پاره تاثیر انسان بر روی محیط زیست و تاثیر محیط زیست بر انسان می باشد و محیط زیست به قول «راجرز» (متخصص دانش اکولوژی) نه فقط شامل و سایل مادی و فضای محیط بر دنیای انسان می گردد ، بلکه اشیای غیر مادی (فرهنگ) را نیز در بر می گیرد، می باشد. و که در واقع طیف گسترده ای از عوامل احاطه کننده ، اعم از انسانی و غیر انسانی ، ملموس و غیر ملموس را « محیط» گویند. انسان موجودی تاثیر پذیر است ؛ محیط اطراف بر او اثر می گذارند و شخصیت او در محیط زندگی او شکل می یابد.



دانشمندان مباحث تربیت ، محیط زندگی انسان را به دو نوع مهم تقسیم کرده اند:
آلف – محیط اجتماعی : منظور از محیط اجتماعی ، انسان ها و روابط و پیوندهایی است که افراد یک جامعه را احاطه نموده است. پیوندهای فرهنگی که به وسیله حکومت ، و پیوند های اخلاقی که بین افراد حاکم است. و خلاصه عوامل تشکیل دهند محیط اجتماعی ، موضوعاتی است که در دانش اجتماعی و علوم انسانی مورد بحث قرار می گیرد. این نوع محیط در تکون شخصیت انسان نقش به سزایی دارد.



ب - محیط جغرافیایی (طبیعی) : منظور از آن ، همه عوامل در برگیرنده انسان است و آن عبارت : آب و هوا ، نور و حرارت ، مسکن و خوراک ، پوشاک و ... هر امر مادی که انسان به آنها احاطه شده است ، به مقدار قابل ملاحظه ای در تکون شخصیت او موثر است و هر انسان تاحدی صفات و خلیاتش متناسب با محیط شخصیت طبیعی او است ؛ چنان که محیط زیست طبیعی در تشکیل صفات جسمانی ، از سفیدی و سیاهی و رنگ مو ، چاقی و لاغری و بلندی و کوتاهی قد و مزاج و سایر صفات جسمانی تاثیر به سزایی دارد.



متفکران و انشمندان نیز از دیر باز به این نکته مهم توجه داشته و به مناسبت هایی آن را یاد آور شده اند؛ آنان معتقدند که شرایط زندگی و آب و هوا و شرایط جغرافیایی در زندگی انسان و در تگون شخصیت وی تاثیر به سزایی دارد. توجه به محیط جغرافیایی ، ویژه تنها ژئوپولیتتها نسبت ، بلکه اندیشمندان ، فلاسفه سیستمداران ، نظامیان و علمای اجتماع از هردوت و ارسطو گرفته تا ابن سینا و منتسکیو و ابن خلدون ، رابط اقلیم را با رفتار انسانی مورد بررسی قرار داده اند.



پیرو مکتب بقراط در قرن پنجم قبل از میلاد ، تاثیر آب و هوا و شرایط جغرفیایی را در عادات و اخلاق و فیزیولوژی انسان مطرح ساختند.



ارسطو بر این باور بود که : انسان و محیط زیست دو چیز جدا ناپذیر از یکدیگرند ؛ به نظیر وی ، انسان هم از عوامل جغرافیایی (محیط طبیعی) و هم از نهاد های سیاسی ، تاثیر می پذیرد.



فیلسوف مشهور ، ابن سینا بلخی پستی و بلندی های زمین را چگونگی سامان یابی تن و روان آدمی منوثر می دانست . وی کوهستانی بودن منطقه سکونت انسان را سبب چالاکي و دلیری دانسته و متقابلاً بر این باور بود که پستی و خفگی منطقه سکونت ، افسردگی و بیماری را پی دارد.



ابن سینا در این باره می نویسد: ساکنان مناطق مرتفع و کوهستانی، نیرومند ، قوی بنیه ، دلیر و چالاک اند و کسانی که در مناطق خوش آب و هوا سکنی گزیده اند از نشاط و شادابی و سلامتی خاصی برخوردارند. مردمان سرزمین های مرتفع ، تندرست نیرومند ، چابک و چالاک و دارای عمر زیاد هستند و ساکنان مناطق سگلاخی دارای تن سخت و درهم فشرده و مفاصل محکم اند ، قوی بنیه و درجنگ ها دلیرند، در یاد گرفتن حرفه ها زیرک و اغلب کم خواب هستند. همان گونه که پستی و بلندی سرزمین ها ، بر ساکنان آن تاثیر می گذارد ، باد ها و نسیم های فصلی و نیز آب و هوای گوناگون بر جسم و جان انسان دارای تاثیر های متفاوتی هستند. باد تیر ماه بدن را خشک و پژ مرده می کند و برعکس نسیم دلتواز بهاری روح افزا ست ، دل را جلا می دهد ، خستگی را از تن می زداید و آدم از نشاط و شادابی بیش از حد برخوردار می شود.



ساکن مناطق گر مسیر در مقایسه با مردم مناطق سرد سیر ، دارای تفاوت های بسیاری درجسم وجان وتن وروان هستند؛ آب و هوای مناطق مسکونی آنان نه تنها به رنگ پوست وز یبایی اندام تاثیر می گزارد ، بلکه حتی خلق و خوی آنان نیز ، از آن متاثر می شود.



داشمندان مسلمان هواره بدین نکته توجه داشته و برآن تاکید کرده اند، از این روی به تعریف آب و هوای خوب و بد پرداخته اند. ابن سینا معتقد بود که ساکنان مناطق سرد سیر ، نیرومند و از دل و جرات بیشتر برخوردارند و اگر منطقه مسکونی آنان مرطوب نیز محسوب شود، مردمانش چاق و تر و تازه اند. وی همچنین مردم مناطق مرطوب را به زیبا رویی توصیف کرده و در عین حال بر این نکته توجه می دهد که آنان در ورزش زود خسته می شوند.



همچنین ابن سینا متذکر می شود که روحیه و حال و رفتار مردم مناطق خشک کاملاً برعکس حالت و رفتار مردم مناطق مرطوب است. ابن سینا به طور کلی در معرفی هوای خوب و بد چنین می گوید: « هوای خوب و مطلوب هوای است که آزاد باشد و مواد خارجی از قبیل بخار و دود با آن نیامیخته باشد و نیز در بین دیوارها و سقف محبوس نباشد (و آن در صورتی است که تباهی فرگیر بر هوا عارض نشده باشد و گرنه هوای جاهای سر پوشیده سالم تر است) و بوی بد به دور باشد؛ هوای آزاد علاوه بر شرایط یاد شده ، لازم است از نسیم های مطبوع مدد گیرد. بدیهی است که بادهای سلامت بخش غالباً در بلندی ها و جلگه های هموار می وزد. « (به طو کلی می گوئیم هوایی که بعد از غروب خورشید زود سرد شود و هنگام طلوع خورشید زود گرم شود، هوایی لطیف است و در حالت عکس مخالف آن ، بدین هوا آن است که دل را افسرده و نفس را تنگی بخشد).



ابن سینا در مورد هوای آلوده می گوید: هوای آلوده ، تنفس را تنگ و اخلاط را زیاد می کند. وجود هوای آلوده را با دو علامت می توان تشخیص داد : نخست این که در چنین هوای ستاره گان کوچک در آسمان به زحمت دیده می شوند؛ دوم این که درخشندگی ستاره گان درخشان کاهش می یابد و این اجرام مرتعش به نظر می رسند.



منتسکیون در قرن هجدهم به تفصیل از آثار شرایط جغرافیایی سخن گفت. منتسکیون عوامل جغرافیایی مانند، اقلیم ، منابع ، کوهستانی بودن با جزیره نشینی و صحرانشینی را بر خلق و خوی اقوام منوثر می داند. منتسکیون در اثر مشهور خود «روح القوانین» در باره طبیعت و آب و هوا بحث کرده و می گوید: صفات روح و عواطف انسانی در اثر آب و هواهای مختلف تفاوت دارند. او می گوید که هوای سرد منتهی الیه الیاف خارجی بدن ما را منقبث می کند

و این انقباض باعث افزایش فعالیت آنها شده ، موجب برگشت خون از انتهای بدن به طرف قلب شده و هوای سرد طول این الیاف را کمتر نموده و بر نیروی آنها می افزاید . برعکس هوای گرم منتهی الیه الیاف را سست و دراز می کند و از نیرو و قابلیت حرکت آن می کاهد .
 از نظر منتسکیو انسانی که در اقلیم سردسیر پرورش می یابد دارای قوت بیشتر، قلبی قوی تر ، اعتماد به نفس ، گذشت ، عدم انتقام ، صداقت و دوری از حيله و نیرنگ است.



همچنین وی می نویسد: « در کشور های شمال ، بدن شبیه به یک ماشنی است سالم و خوب شناخته شده باشد ؛ اما زحمت است . چنین بدنی لذت خود را در چیزهایی می داند که بیشتر اعمال بدنی را تحریک کند و بنا بر این از شکار و مسافرت و جنگ و شراب لذت می برند . در کشور های شمالی ملتهایی خواهید یافت که کمتر معایب دارد و به اندازه کافی صداقت و صرحت لهجه و تقوی در آنها یافت می شود؛ ولی به کشور های گرمسیر وقتی نزدیک می شوید ، گمان خواهید کرد که از سرچشمه اخلاق دور می شوید . عواطف شدید تولید جنایات بزرگ می کند هرکس می خواهد مزایای تسکین امیال و عواطف را از دست دیگران بریاید و خود تخصیص دهید .»



وی در همان اثر معروفش می نویسد « آب و هوا ی گرم ، کم و بیش موجب سستی می شود و برعکس در آب و هوای سرد اثری است که سکنه آن نقاط را کم و بیش نیرومند می نماید و می توانند زحمات سخت و طولانی را تحمل کنند؛ این موضوع نه تنها با مقایسه ملل و کشور های مختلف ثبت می شود، بلکه هرگاه در یک کشور نیز سکنه نقاط گرمسیر و سردسیر آن را باهم مقایسه نمائید، این حقیقت به دست می آید. مثلاً جرئت و فعالیت ملل شمالی چین زیادتیر از فعالیت ملل جنوبی آن کشور است و همین طور فعالیت سکنه کره شمالی از سکنه جنوبی آن بیشتر می باشد.



مورخ مشهور ابن خلدون نیز در مقدمه خوش تاکید فراوانی بر آب و هوا و نقش آن در امر عمران و آبادانی نموده است ؛ وی معتقد است که ساکنان مناطق معتدل (که از حرارت سوزان جنوب و سرمای شمالی کره زمین در آمدند) از جهت خلق و خوی و صورت و سیرت در عتدال قرار دارند و برای ایجاد تمدن و عمرامعاش و اقتصاد و هنر و دانش مناسب ترند.



ابن خلدون می افزاید: « محیط زیست بر هوش و استعداد ، درایت و کفایت فردی اثر می گذارد و سلامتی عقل و روح و میانه روی در اعمال و رفتار در گرو سلامت محیط زیست است. ساکنان مناطق معتدل کره زمین از نشاط و شادابی ویژه ای برخوردارند، روش آنان معتدل و منشی میانه دارند، افراط و تقریط در زندگی آنها کمتر آبادانی و عمران

در مناطق آنان بیشتر است. اعتدال بر جسم و رنگ و پوست و اخلاق و عقاید آنان حاکم است، دور اندیشی و تعقل در امور و شیوه آنهاست و سبک سری و شادی بیش از حد کمتر در بین شان رواج دارد، نوع قد و قامت، رنگ و چگونگی اندام ظاهری و درونی و حتی فکر و اندیشه و اخلاق و منش هرکس به طبیعت و محیط زیست وی بستگی دارد.



همچنین می گویند: « مردم ساکن در کوهستان ها ، یعنی مناطق سرد ، بیشتر آینده نگر و اهل تفکر و سحر خیزند و همواره ها آنوقه سال آینده را فراهم می آورند.



ارسطو نیز بر این مسئله تاکید دارد که: « مردم اروپا دلیرند، ولی کم هوش، لیکن مردم آسیا هوشمندند.» از مطالب ذکر شده در می یابیم که پستی و بلندی سرزمین ها و نیز گرمسیر و سردسیر بودن آب و هوای مناطق (شرایط اقلیم مختلف) بر جسم و روح آدمی تاثیر بسیار مهمی دارند؛ به طوری که حتی شکل ظاهری و رنگ پوست هرکس با منطقه مسکونی او در ارتباط مستقیم است و علاوه بر آن ، شرایط اقلیمی بر خلق و خوی و رفتار و منش انسان اثر قابل توجهی دارد.



نکته شایان ذکر این که، محیط جغرافیایی حتی بر سیاست، اجتماعی، اقتصاد، نیز تاثیر می گذارد؛ به گونه ای عده ای از دانشمندان، عقب ماندگی و یا پشرفت جوامع بشری را مربوط به موقعیت جغرافیایی و اوضاع اقلیمی آن می دانند. گروهی دیگر از دانشمندان دایره تاثیر گذاری موقعیتهای جغرافیایی را انقدر وسعت داده اند که حتی موسیقی، سازها، نواها و رقص های اقوام مختلف را بازتاب اوضاع و احوال جغرافیایی و اقلیمی مختلف آنها می دانند.



گروهی از دانشمندان معتقدند که عوامل ژئوپولیتیکی تاثیر مستقیمی در منازعات و بحرانهای قومی داشته و طبیعت و ساختار جغرافیایی جوامع نقش بزرگی در ساختار روحی مردم نیز ایفا می کند.



آنها می گویند: کوه های بلند و سربه فلک کشیده ؛ معلمان بزرگی آند که غرور و سرکشی را بر ساکنان خود می آموزند و زندگی در آغوش آنها روحیه انسان را سخت و مقوم باور آورده و ساختار روانی او را به شکل کوه در می آورد. طبیعت نقش منوثری در هویت ملتها و تمدن داشته که صفات نخستین تاریخ بشر گواه روشنی بر آن است.

منابع

ویکی پدیا

1- عبدالرحمن بن خلدون . مقدم این خلدون ص 81

2- ادوارد، س ، راجز، اکولوژی و بهداشت ، ترجمه دکتر یابوش آگاه دیباچه منولف

3- نگ: جمیز بابر ومایل اسمت ، ماهیت سیاست گذاری خارجی ، ترجمه دکتر سیف زاده ص 135.